

وضعیت حقوق بشری زنان بحرین

بررسی عملکرد حاکمان این کشور

ملیحه فرجی

چکیده

رعایت حقوق انسانی یکی از اصلی‌ترین اصول حکومت می‌باشد. متأسفانه به رغم تأکید نهادهای حقوق بشری به رعایت دموکراسی و تساوی حقوق زنان و مردان، اما هنوز بسیاری از کشورهای عربی ناقض جدی حقوق زنان به شمار می‌روند. در این میان بحرین و حکومت آل خلیفه با برقراری قوانین تبعیض‌آمیز، زنان را از حقوق انسانی محروم ساخته‌اند. از سویی شعله‌ور شدن جریان‌های انقلابی در اعتراض به جنایات ضد بشری نظام سیاسی بحرین، زنان را نیز در صف انقلابیون قرار داد. با توجه به شرایط نامساعد زنان در بحرین و استبداد و ظلم آل خلیفه، نویسنده در این مقاله، به بررسی وضعیت زنان در حکومت‌های شیخ نشین عرب پرداخته و سپس به فجایع انسانی و نقض حقوق زنان در کشور بحرین به عنوان یک مصداق بارز جنایت علیه بشریت توجه کرده است. در آخر نیز وظیفه جامعه جهانی و میزان واکنش‌ها را به این اقدامات خشونت بار بررسی نموده است.

کلیدواژه: بحرین، حقوق بشر، حکومت آل خلیفه، حقوق زنان، حق بشریت

مقدمه

از زمانی که آل خلیفه در سال ۱۸۸۳ بر بحرین حاکم شدند، تاریخ سیاسی بحرین دوران تازه‌ای را آغاز کرد؛ دورانی همراه با فقدان آزادی سیاسی و بسته بودن فضای سیاسی جامعه که از همان آغاز موجبات اعتراضات و ناآرامی‌های مردمی را فراهم نمود که در جریان بیداری کشورهای اسلامی، جان تازه‌ای گرفت. ریشه‌ی همه‌ی این عوامل یک مشکل ساختاری بود، بدین ترتیب، در حالی که دولت و حکومت بحرین، دارای یک فرهنگ قبیله‌ای و شیخ‌سالاری است، بیش‌تر مردم بحرین دارای فرهنگ شهرنشینی مدرن و نوخواه هستند. همین امر باعث بحران مشروعیت در ساختار حکومتی بحرین شده است. شورای اداری از سال ۱۹۵۶ بعد از شیخ و حاکم بحرین، به عنوان دستگاه اجرایی کشور عهده‌دار انجام امور بوده است که در سال ۱۹۷۱، این شورا به شورای وزیران تغییر نام یافت و رئیس شورا نیز به نخست‌وزیر تبدیل شد. در طول این سال‌ها تا حال حاضر، شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه که عموی پادشاه بحرین نیز می‌باشد، همواره نخست‌وزیر بحرین بوده است. امیر کنونی بحرین که پس از مرگ پدرش در سال ۱۹۹۹ به قدرت رسید، نوید تغییرات سیاسی را در کشور داد که یکی از آنها ترمیم کابینه بود. البته یک بار هم در سال ۱۹۹۵ توسط پدرش در کابینه اصلاحاتی صورت گرفت که به تغییر شش وزیر انجامید. علاوه بر نخست‌وزیر سایر پست‌های کلیدی شورای وزیران نیز در قبضه‌ی کامل خاندان آل خلیفه است و در تمام وزارتخانه‌ها خاندان پادشاه بحرین شاغل‌اند. از نظر مذهبی نیز برای بیش‌تر وزارتخانه‌ها افراد سنی مذهب منتصب می‌شوند. این در حالی است که سیستم پادشاهی بحرین موروثی است و پادشاه طبق قانون اساسی جدید

دارای قدرت مطلق در تمامی امور می‌باشد. پادشاه کنونی بحرین شیخ حمد بن عیسی آل‌خلیفه در سال ۲۰۰۲ نظام سیاسی بحرین را از امیرنشین به پادشاهی بحرین تغییر داده است. (جهان‌خواه، دیده‌ورا، ۱۳۹۳: ۹۲-۹۱)

با توجه به نوع حکومت استبدادی آل‌خلیفه تاکنون گزارش‌های متعددی مبنی بر بروز جنایت علیه بشریت منتشر شده است. همواره با شنیدن عنوان جنایت علیه بشریت، فجایع انسانی گسترده‌ای به ذهن متبادر می‌شوند که صفحه تاریخ را سیاه کرده‌اند؛ فجایعی که علی‌رغم وسعت و شدتی که داشته‌اند اگر محملی برای رسیدگی حقوقی و قضایی آنها یافت نمی‌شد، وجدان بشری را با زخم عمیق به حال خود وامی‌گذاشتند. این فجایع از اوان تاریخ وجود داشته‌اند و همچنان نیز در فواصل زمانی و مکانی و بهانه‌های مختلف، چهره کریه خود را به بشریت نشان می‌دهند، اما آنچه بیش از همه خاطر انسان عدالت‌خواه و آرمان‌گرا را می‌آزارد این است که این جنایات عموماً در زمان صلح و از سوی قدرت‌های حاکم علیه مردم متبوعشان روی می‌دهد؛ مردمی که در فشار و تنگنای شرایط نامساعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و رنجور از نقض حقوق خود، چاره‌ای جز اعتراض به قدرت حاکم در پیش‌رو ندارند.

سونامی سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا که کشور جزیره‌ای بحرین را نیز دستخوش طوفان ناآرامی و اعتراض کرده، از اواسط فوریه ۲۰۱۱ آغاز شده و سلسله‌ای از اقدامات خشونت‌بار را در این کشورها به دنبال داشته است. به دیگر سخن این اعتراضات که به دلیل نقض‌های حقوق بشری از سوی دولت‌ها آغاز شده، بازخوردی جز نقض‌های گسترده‌تر از سوی حکومت نداشته است. تاکنون گزارش‌هایی در خصوص اعتراضات

صورت گرفته در بحرین و اقدامات نیروهای امنیتی و حکومتی در مقابله با این اعتراضات از سوی ارگان‌های خبری و نهادهای حقوق بشری، به ویژه دیده بان حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل منتشر شده‌اند. (موسوی، میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۸۸)

در این میان زنان نیز در قبل و بعد از خروش انقلابی شیعیان از حقوق انسانی و اجتماعی پایینی برخوردار بودند و بعد از انقلاب، نظام آل خلیفه بر شدت آزار و اذیت زنان افزوده است. عدم حق مشارکت سیاسی، تضييع حقوق اولیه و آزار و شکنجه از جمله مواردی است که در بحرین، زنان را هدف قرار داده است. با توجه به مسائلی که ذکر شد نویسنده در این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که وضعیت زنان در بحرین در دوران حکومت آل خلیفه در چه جایگاهی است؟ و تا چه میزان زنان مورد خشونت قرار گرفته‌اند؟

۱. تقابل ساختار حاکمیت با حقوق مدنی

شیخ‌نشین بحرین شامل مجمع‌الجزایر کوچک در خلیج فارس است که کل مساحت آن به ۶۶۵ کیلومتر مربع می‌رسد. اکثر جمعیت ۷۲۰۰۰۰ نفری بحرین را مسلمانان تشکیل می‌دهند که حدوداً ۶۵ درصد جمعیت را شامل می‌شوند. خانواده الخلیفه و سایر نخبگان سیاسی و اقتصادی که از مسلمان‌های سنی هستند بر این کشور حکومت می‌کنند. بحرین دو مجلس دارد، مجلس نمایندگان که از مقامات رسمی منتخب و مجلس شورا تشکیل شده است. مجلس شورای اسلامی بحرین فقط از مردان تشکیل شده بود. زنان نیز از ماه می سال ۲۰۰۰ مجاز به شرکت در چنین مجلسی شدند. مجلس در سال ۲۰۰۱ شورایی متشکل از ۱۴ تن متخصص درباره مسائل انتخاب کرده که نقش

مشورتی دارند؛ مدیریت آن هم بر عهده همسر پادشاه است. بحرین از لحاظ اقتصادی جزء ضعیف‌ترین‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس به شمار می‌آید. از لحاظ تاریخی درآمد حاصل از صنعت نفت به دولت این امکان را می‌دهد تا به توسعه زیرساختارها و استخدام کارگران از اروپا، امریکای شمالی و جنوب آسیا پردازد. در بیست سال اخیر، با کاهش ذخایر نفتی، اقتصاد این کشور به پالایش نفت کشورهای دیگر، بانکداری و صنعت توریسم سوق پیدا کرده است. (رضوی، جربانی، رشیدی، ۱۳۸۹: ۱۷۹)

در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ یعنی در دهمین سالگرد همه‌پرسی به نفع منشور فعالیت ملی بحرین، مردم بحرین تصمیم گرفتند در اعتراض به ساختار حکومت، به سمت میدان لؤلؤ در منامه (پایتخت بحرین) راهپیمایی کنند. معترضان که غالب آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دادند، خواستار استقرار حکومت مبتنی بر رأی مردم و رفع تبعیض در زمینه اشتغال و سایر حوزه‌ها و به تعبیری خواستار حق تعیین سرنوشت خود بودند. در میان معترضان، سنی‌ها طرفدار خانواده سلطنتی که خواستار اصلاحات سیاسی بودند، نیز حضور داشتند. حکومت بحرین در برخورد با این تظاهرات صلح‌آمیز، معترضان را توسط نیروهای امنیتی سرکوب کرد. این نیروها در فوریه عقب‌نشینی کردند و تحصن معترضان در میدان لؤلؤ ادامه یافت. برخی درگیری‌ها میان این قضات به آرای سابق شعب تجدیدنظر در پرونده‌های Krnojelac Vasilijevic و Krstic اشاره کرده و بر این عقیده بودند که باید معیار اتخاذ شده در پرونده سلیبسی (Celebici test) در این پرونده نیز اعمال شود و هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای انحراف از این معیار وجود ندارد. (موسوی، سادات میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۳)

گذشته از علل قیام و انقلاب مردم بحرین، «شیخ حمد بن عیسی آلخلیفه» از سال ۱۹۹۹ تاکنون حاکم این کشور بوده و بیشتر پست‌های کلیدی کشور نیز در اختیار خاندان آل‌خلیفه بوده و هم‌چنان در مقابل مخالفت‌ها و اعتراض‌ها مقاومت کرده است. بر همین مبنا طی دوره انقلاب، هدف کلان حکومت بحرین ممانعت از ورود شیعه به حاکمیت و ساختار قدرت بوده است تا ساختار قدرت موجود که مبنایی خاندانی و غیردموکراتیک دارد، با کمترین تغییراتی تداوم یابد. از آنجا که شیعیان اکثریت جمعیت بحرین را تشکیل می‌دهند، هرگونه تحول دموکراتیک از منظر آل‌خلیفه به واگذاری دست‌کم بخشی از قدرت به گروه‌های شیعی خواهد انجامید؛ لذا استراتژی آل‌خلیفه مخالفت با هرگونه اصلاحات عمیق و جدی در عرصه سیاسی با تاکتیک‌ها و روش‌های مختلف است.

در عین حال حکومت بحرین دچار نوعی دودستگی است و می‌توان دو جناح را در حاکمیت آل‌خلیفه از هم متمایز کرد: ۱. جناح تندرو و طرفدار سرکوب و مخالف هرگونه اصلاحات و گفت‌وگو با مخالفان که شیخ خلیفه، نخست‌وزیر بحرین، رهبر آن محسوب می‌شود. ۲. جناح دوم که معتدل‌تر است و ولیعهد، سلمان بن حمد آن را مدیریت می‌کند با سطحی از اصلاحات و گفت‌وگو با مخالفان و روش‌های مسالمت‌آمیزتر موافق است. با این حال در حکومت بحرین جناح تندرو قدرت و تسلط بیشتری دارد و مهم‌تر اینکه تحت حمایت عربستان سعودی است. در نتیجه رویکردهای حکومت بحرین که در عرصه عمل ناگزیر باید از انسجام لازم برخوردار باشد، به سمت رویکردهای سرسختانه در مقابل مخالفان و نفی هرگونه اصلاحات واقعی گرایش دارد. (مدی،

۲. حقوق شهروندی زنان در شیخ نشین های خلیج فارس

زنان در طول تاریخ به عنوان نیمی از جمعیت فعال جهان، از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند. زن تنها به دلیل زن بودنش و به سبب غریزه‌ی مادر بودنش، مولد است و موثر. می‌توان گفت در اکثر برنامه‌ریزی‌های سیاسی و فرهنگی، اولویت بحث و سرمایه، حول و حوش زنان و مادران می‌چرخد. یکی از مولفه‌هایی که نقش زنان را برجسته می‌سازد، جریان‌ات بیدادگری و انقلاب‌هاست. جوهره‌ی جنگ و جنبش و اعتراض، صحنه‌ی نبرد و یکه‌تازی است که این قوه‌ی فیزیکی نیرومند، ظاهری مردانه و باطنی زنانه دارد. این یک اصل ثابت شده است که در پشت هر مرد موفق، وجود داشته است. زنانی که با درایت سیاسی و سعه صدر، تکیه از بازوی پرتوان مرد خود برمی‌دارند. بدین دلیل است که جهت کشته شدن فریاد اعتراض در نطفه، زنان را هدف قرار می‌دهند. (حاجی سعید، ۱۳۹۰) متأسفانه در بخش‌هایی از جهان هنوز زنان از حقوق انسانی خود بی‌بهره هستند و حقی در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی حضور ندارند.

در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، مشروعیت سیاسی حکومت از نوع سنتی و از طریق اتحاد بین خاندان سیاسی حاکم و علمای محافظه‌کار و رؤسای قبایل بوده است، چنین اتحاد و ائتلاف یکی از مهم‌ترین موانع در مقابل فعالان زن و نهادهای مدنی ضعیف آنان در پیشبرد حقوق شهروندی‌شان بوده است. گرچه این اتحاد در سایر کشورهای عربی خاورمیانه آشکار نیست، زنان و نهادهای مدنی زنان با مخالفت‌ها و مقاومت‌ها از ناحیه علما و اسلام‌گرایانی رادیکال مواجه بوده‌اند، به‌علاوه، توده‌های برخوردار از فرهنگ تابعیت نیز رغبتی به حمایت از فعالان زن و حقوق زنان نداشته‌اند. علاوه بر موانع فوق،

وجود شکاف ایدئولوژیک و آموزه‌ای بین فعالان زن اسلام‌گرا و سکولار نیز در عدم شکل‌گیری جنبش اجتماعی فراگیر در حمایت از حقوق شهروندی زنان در منطقه خاورمیانه عربی اثرگذار بوده است. مواضع لیبرالی و غرب‌گرای برخی فعالان حقوق زنان نیز بر عدم پذیرش عمومی حقوق شهروندی زنان و نهادهای مدنی آنان از سوی توده‌ها و بر جدی‌تر شدن مخالفت‌های حکومت و علمای محافظه‌کار اثرگذار بوده است.

مدافعان و فعالان زن لیبرال در تلاش بوده‌اند تقریباً محتوا و روش‌های فعالان زن سکولار و غربی را در خاورمیانه پیاده کنند، آنان با اتخاذ موضع نسبی‌گرایی فرهنگی خواستار برابری کامل حقوق زنان و مردان هستند، محدودیت‌های سنتی و شرعی موجود را چندان نمی‌پذیرند، امیدی به عقلانی کردن پدرسالاری در چارچوب اسلامی ندارند و حقوق اسلامی در مورد ارث و طلاق و مانند آن را تبعیض‌آمیز می‌دانند. این طیف فکری از پذیرش عمومی بسیار ضعیفی برخوردار است و ضربه‌ای جدی نیز به فعالان حقوق شهروندی زنان با گفتمان بومی و اسلامی وارد می‌کند. بسیاری از زنان اسلام‌گرا نمی‌خواهند واژه فمینیسم با چارچوب غربی را استفاده کنند و آن را با فرهنگ اسلامی سازگار نمی‌بینند، نادیا یاسین، سخنگوی حزب عدالت و نوع‌دوستی و از فعالان مراکشی، می‌گوید: «من فمینیسم خودم را از اسلام گرفته‌ام نه از فرهنگ غرب.» فمینیست‌های اسلام‌گرا، فردگرایی سکولار غربی در گفتمان فمینیست‌های سکولار را با جهت‌گیری‌های اجتماعی‌تر جوامع اسلامی سازگار نمی‌بینند و از موضع یک زمینه‌گرای اجتماعی، معتقد به تفسیر از زن و فردیت زن در چارچوب نظام فرهنگی و ارزشی اسلامی هستند. آنها مدافع پالوده‌سازی روح اصیل اسلام از تفسیرهای نادرست و خرده فرهنگ‌های محلی و باورهای پدرسالاران از اسلام هستند. (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۸۶-۱۸۵)

۳. بررسی مصداقی نقض حقوق شهروندی زنان در بحرین

مشارکت سیاسی پایین: میانگین رتبه حقوق سیاسی در بحرین ۲/۳ است. در ۲۰۰۲، بین کشورهای منطقه خلیج فارس، بحرین نخستین کشوری بود که به زنان حق رأی عمومی و مهم‌تر اینکه حق کاندیدا شدن برای انتخابات پارلمانی را اعطا کرد. در این سال هیچ زنی وارد پارلمان نشد، اما در انتخابات ۲۰۰۶ لطفیه‌القائد موفق به ورود به مجلس شد. آزادی اجتماعات در بحرین هم برای زنان و هم مردان محدود است و تشکیل هر نوع اجتماعات نیازمند اخذ مجوز از وزارت امنیت عمومی می‌باشد. در بحرین تمامی نهادهای مدنی توسط وزارت توسعه اجتماعی هدایت و کنترل می‌شوند و آنها تنها مجاز به فعالیت در موارد تعریف شده هستند. طبق ماده ۱۳۴ شهروندان مجاز به شرکت در همایش‌های خارجی یا تماس با مقامات و افراد خارجی برای بحث در مورد مسائل سیاسی بحرین نیستند و انجام این کار، ۳ ماه زندانی و جریمه مالی دربردارد. (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۹۵-۱۹۴)

محرومیت از حقوق اجتماعی و انسانی: زنان در بحرین از هرگونه آزادی‌های فردی و اجتماعی محروم هستند و در زندان‌ها نیز با زیر پا گذاشته شدن حقوق انسانی، مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، حساب "بحرین دکتر" در توییتر، مطالبی را در خصوص تجاوز عوامل نظام حاکم آل‌خلیفه به زنان زندانی منتشر کرد.

"منامه پست" نوشت حساب بحرین دکتر در توییتر تأکید کرد: "افرادی که در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظام حاکم آل‌خلیفه به سر می‌برند، نه تنها از حقوق خود محرومند، بلکه عوامل زندان به اذیت و آزار جنسی آن‌ها خصوصاً زنان نیز می‌پردازند."

در این گزارش آمده است: یکی از این زنان در اداره تحقیقات جنایی (مرکز بازرجویی وزارت کشور در منطقه العدلیه شهر منامه پایتخت بحرین) که بازرجویانش به بدرفتاری و شکنجه معروف هستند، مورد اذیت و آزار قرار گرفته است. اگر یک زن در یکی از مراکز دولتی یک کشور دمکراتیک و قانونمدار جهان مورد آزار قرار می‌گرفت، وزیر آن کشور استعفا می‌داد و به همراه مجرمین محاکمه می‌شد، ولی بحرین کشور بی‌قانونی و باندبازی است. در این گزارش خطاب به مسئولان بحرینی تأکید شده است: ای پادشاه، ولیعهد و وزیر کشور! اگر بحرین کشوری قانونمدار است، پس چرا بازرجویان وزارت کشور به یک زن تجاوز می‌کنند. زنی که برای حفظ آبروی خود از فاش کردن نامش امتناع کرده است. (باشگاه خبرنگاران / ۵۵۶۱۲۳۷)

از سویی با توجه به وخامت نقض حقوق بشر علیه زنان، "جان لوبوک" حقوقدان و عضو فعال مرکز حقوق بشر بحرین با انتشار گزارشی از موارد نقض حقوق زنان در بحرین، تأکید کرد: همسران و خانواده‌های سیاستمداران مخالف رژیم، زنان پزشک، پرستار و امدادگر، زنان فعال در زمینه‌های حقوق بشر و دانشجویان و ادبای مخالف رژیم آل‌خلیفه، مهمترین قربانیان خشونت‌ها ضد زنان در بحرین هستند.

بر پایه این گزارش، "فاطمه الخواجه" همسر "صلاح الخواجه" فعال سیاسی، "زینب الخواجه" فرزند "عبدالهادی الخواجه" فعال سیاسی و برادر "صلاح الخواجه"، "زهرا علی عطیه" همسر "یاسر الصالح" عضو جمعیت عمل اسلامی بحرین، همگی به سبب خویشاوندی با فعالان سیاسی ضد نظام در معرض تجاوز، هتک حرمت، تهدید، بازداشت غیرقانونی و شکنجه قرار گرفتند.

علاوه بر این "آیات القرمزی" شاعر معترض بحرینی، شمار دیگری از زنان از جمله پزشکان، امدادگران، معلمان و دیگر فرهیختگان به سبب رویکرد مخالف خود با رژیم به صورت وحشیانه‌ای بازداشت و شماری از آنان شکنجه و شماری دیگر مورد تجاوز و هتک حرمت قرار گرفتند. برخی از دختران بازداشت شده مانند "ایمان عبدالعزیز العسوامی" که تنها ۱۵ سال سن دارد و برخی از آنها نظیر "رقیه جاسم أبو رويس" با اینکه باردار بود، بازداشت شدند. مرکز حقوق بشر بحرین از رژیم آل خلیفه خواست به معاهدات بین‌المللی در خصوص حفظ حقوق زنان به ویژه معاهده "سیداو" پایبند باشد. (Humanrights/20799)

اعمال خشونت خانگی علیه زنان: از سویی در خصوص خشونت‌های خانگی علیه زنان یک همه‌پرسی شورای عالی زنان بحرین، نشان می‌دهد که ۹۵ درصد از پاسخ‌دهندگان قبول دارند که زنان در بحرین در خانه و در محیط‌های کاری در معرض خشونت قرار دارند. در این همه‌پرسی مشخص شده است که شوهر، آزاردهنده اصلی زنان است. بر اساس این بررسی تحصیلات و اشتغال زنان، احتمال اینکه زنان قربانی خشونت شوند را کاهش نمی‌دهد. ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند که مشکلات جنسی و فقدان رابطه جنسی صحیح بین طوچ‌های متأهل، دلیل اصلی خشونت فیزیکی و روانی علیه زنان هستند. خشونت علیه زنان در بین طبقه‌های اجتماعی وجود دارد، اما با این حال در بین افراد تهی دست شیوع بیشتری دارد. (میزان/۱۳۲۲۱۱)

به اعتقاد کارشناسان سیاسی، زن بحرینی امروز بهای ابراز عقیده خود را می‌پردازد. نیروهای نظامی آل سعود، آل خلیفه و مزدوران آنها که اعمال خشونت‌باری نسبت به زنان بحرین مرتکب می‌شوند، قصد دارند با تعرض به زنان، کاری کنند زنان از ترس هتک حرمت، از ادامه مبارزه عقب‌نشینی

کنند. روی آوردن حکام عرب به کشف حجاب زنان برای سرکوب انقلابیان، نشان‌دهنده این است که آل‌سعود و آل‌خلیفه هیچ رابطه و سنخیتی با دین مبین اسلام ندارند و جزئی از سلفی‌گری و وهابیت مدرن هستند.

تعرض به زنان مسلمان بحرین زمینه را برای حضور بیش از پیش سایر زنان در عرصه مبارزه انقلابی فراهم می‌کند. حتی کسانی که شک دارند که به انقلابیون پیوندند نیز با این اعمال خشونت، برای پایداری در راه اسلام و مبارزه با دیکتاتورها، مصمم می‌شوند.

البته در جوامع محافظه‌کار و سنتی عرب، زن از مصونیت اجتماعی برخوردار است و حضور زن و تعرض به آن، اعتراض مرد و جامعه را به دنبال خواهد داشت و همین، زمینه استمرار قیام را فراهم می‌سازد. همین فشارها باعث شد تا جمعیت‌های مختلف مدافع حقوق زنان در بحرین و بسیاری از کشورهای عربی، روز هشتم مارس گذشته امسال (۲۰۱۳) را که مصادف با روز جهانی زن بود، به فعالیت برای همبستگی با زنان بحرینی اختصاص دهند. زن بحرینی از اوایل دهه ۵۰ م به عنوان رأی‌دهنده در انتخابات شرکت کرده است، اما امروز، بعد از گذشت بیش از ۶۰ سال، همچنان به دنبال برابری قانونی، برابری در حقوق سیاسی و برابری در دستیابی به شغل‌های عمومی است. فعالان امور زنان ادعا می‌کنند که دست یافتن به مراکز تصمیم‌گیری برای آن‌ها صرفاً یک هدف نیست؛ بلکه به آن، به عنوان وسیله‌ای برای فراهم کردن زمینه حقوقی و قانونی مشارکت هرچه بیشتر زنان و بالا بردن جایگاه آن‌ها در جامعه می‌نگرند. به گفته آنان، تقویت جمعیت‌ها و جریان‌های زنان به معنای تشکیل جمعیت‌های سیاسی جدیدی برای زنان نیست؛ بلکه باید به دنبال تغییرات بنیادین در جامعه‌ای سنتی بود که به جایگاه زن، به شکل متفاوتی نسبت به جایگاه مرد می‌نگرد.

در واقع، در جوامع سنتی و چندهمسری شیخ‌نشین‌های خلیج فارس که جوامعی کاملاً مردسالارانه است، حضور زنان در قیام‌ها شرایط جدیدی را فراهم می‌کند که توسعه اجتماعی و برابری جنسی یکی از نتایج آن در آینده خواهد بود. حضور زن در بحرین تاکنون بر شرق عربستان تأثیر گذاشته و ممکن است در آینده، بر همه کشورهای شیخ‌نشین خلیج فارس تأثیر بگذارد و این مسئله می‌تواند آغازگر تحولات اجتماعی جدید در این کشورها باشد. (رویوران، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۵)

با توجه به ایده‌ای که لمکین مطرح می‌کند، صدق جنایت نسل‌کشی بر حکام آل خلیفه کاملاً مشهود است؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، حکومت آل خلیفه با قصد و هدف قبلی و با برنامه‌ریزی که از قبل وجود داشته است، قصد چنین عملی را داشته‌اند. وقتی در برنامه‌ها و قوانین کشور بحرین که توسط مجلسی که در دست اقلیت اهل سنت و غالباً از نزدیکان پادشاه تشکیل یافته است، توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که اعمال حکومت آل خلیفه از سال‌ها قبل این‌گونه پایه‌ریزی شده است که اکثریت شیعیان این سرزمین را در موضع ضعف نگاه داشته و با عدم به کارگیری آنان در مقامات کلیدی، عملاً قدرت سیاسی و اقتصادی شیعیان را کاهش دهند و بنیادهای گلوگاه‌هایی را که شیعیان بتوانند از آن برای بهبود و پیشرفت خود بهره‌برند، از آنان سلب کرده است و باید بر تمامی این مباحث، الفت و نزدیکی که بین آل خلیفه و آل سعود وجود دارد را بیفزاییم، مگر جز این است که آل سعود، دشمن اصلی شیعیان است؟ چگونه می‌توان هر چند با خوش‌بینی تمام به این نتیجه نرسید که همواره این دو حکومت در صدد ضعیف کردن شیعیان بوده و هستند و اگر بخواهیم شاهدی برای ادعای خود بیاوریم، چه شاهدی از این بهتر که حکومت

آل‌خلیفه، یکی از سیاست‌های اصلی حکومت خود را اعطای تابعیت به سایر مذاهب و ادیان دیگر قرار داده است؟ آیا غیر این است که حکومت درصدد این است تا موازنه جمعیتی سرزمین را بر هم زند؟ و شیعیان را که در اکثریت هستند، به اقلیت بکشاند؟

۴. واکنش جامعه جهانی

سازمان‌های حقوق بشری: گزارش‌های سازمان دیده‌بان حقوق بشر در دوره پیش از فوریه ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که با وجود آنکه تظاهرات گسترده و برنامه‌ریزی شده از سوی معترضان بسیار اندک است، اما سازمان این تحولات را به صورت دقیق منعکس کرده است. این سازمان گزارش‌هایش را با توجه به بدتر شدن وضعیت حقوق بشر بحرین از ۲۰۰۶ به بعد منتشر کرده است. تمرکز این سازمان بر حقوق شیعیان در بحرین نشان می‌دهد که از نقض حقوق مدنی و سیاسی شیعیان این کشور که در ابتدای قرن ۲۱ به صورت سیستماتیک و مستمر نقض می‌شود، آگاه بوده است و برای واداشتن حکومت این کشور به انجام اصلاحاتی در راستای بهبود وضعیت تلاش می‌کند؛ در واقع، هدف اصلی سازمان در این دوره بهبود حقوق اولیه مردم، به خصوص آزادی‌های مدنی و سیاسی است. ایجاد مجلس شورای انتخابی ۴۰ نفره در سال ۲۰۰۲ از جمله اقدامات مثبتی است که سازمان دیده‌بان آن را برای رسیدن به وضعیتی بهتر، مثبت ارزیابی می‌کند و امیدوار است که با وجود سرکوب‌ها، اصلاحات ادامه یابد. از نظر این سازمان، حقوق بشر بحرین در این دوره هنوز در وضعیت اضطراری و هشدار قرار نگرفته است که مجامع بین‌المللی در آن دخالت کنند.

اما در سال ۲۰۱۱ که در مدت کوتاهی وقایع فراوانی اتفاق افتاد، سازمان را در عمل انجام شده قرار داد. کشته شدن ۴۰ نفر در سال اول اعتراضات و نیز دخالت نیروهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی از نظر سازمان نوعی سرکوب نهادینه محسوب می‌شد. در این مرحله، حقوق بشر به صورت روزانه، در سراسر بحرین و در بین همه طیف‌های سیاسی و اجتماعی این کشور نقض می‌شد، بدین معنی که حکومت از «نیروهای مرگبار» علیه همه شهروندان معترض استفاده می‌کرد و با این کار وضعیت حقوق بشر در بحرین حاد و اضطراری شده، دخالت مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد ضروری شد. همچنین در این مرحله، حمایت متحدان غربی بحرین از دولت سرکوبگر این کشور به دلیل منافع خود، علت اصلی ادامه سرکوب‌ها به شمار می‌رود و سازمان در پی شفاف‌سازی اقدامات این کشورهاست تا بدین وسیله به آنها برای عقب‌نشینی از مواضعشان فشار آورد. (میرزایی، صدی، ۱۳۹۳: ۱۲۸)

دولت‌ها: حکومت‌هایی که دستانشان به خون مردم خود یا مردم دیگر ملل آلوده است و حقوق بین‌الملل را ناتوان کرده است، تعارض حاکمیت دولت‌ها با مسئولیت کیفری آنهاست. گفته می‌شود که نمی‌توان یک دولت را با توجه به استقلالی که دارد، در ارتباط با اعمالش مورد سؤال قرار داد. در این زمینه، پلاوسکی با زیر سؤال بردن این تعارض اظهار می‌دارد:

به نظر ما طرح مسئله حاکمیت دولت‌ها، توانایی حل مشکلات مسئولیت کیفری دولت را خواه در جهت مثبت یا منفی آن دارا نیست. این سؤال قابل طرح است که مفهوم واقعی حاکمیت چیست؟ با این نظر موافقیم که حاکمیت، معنای استقلال را می‌دهد، ولی تحت عنوان اصل حاکمیت غالباً گفته می‌شود که دولت در برابر افراد، صاحب اختیار مطلق است و همین اختیار را در مورد

صاحب دولت‌هایی که از او ضعیف‌ترند دارد. این نوع برتری غیر محدود دولت بوده که پیوسته منشأ جنایات بی‌شمار و بی‌عدالتی‌های بسیار در تاریخ شده است. چنین تعبیری از مفهوم حاکمیت، نهایت آمال و ایده‌آل یک دولت خودکامه است که زشت‌ترین تظاهر خود را در دولت نازی پیدا کرد. اگر بخواهیم در روابط بین‌الملل، در آینده از این نوع بی‌عدالتی‌ها بپرهیزیم، باید بپذیریم که مفهوم حاکمیت، حق اعمال بی‌عدالتی یا صدمه زدن به افراد انسانی را به دولت نمی‌دهد.

شکست حاکمیت مطلق دولت، نه تنها در دکترین، بلکه در اسناد رسمی حقوق بین‌الملل نیز به چشم می‌خورد. در فصل هفتم منشور ملل متحد که به اقدام شورای امنیت در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز اختصاص پیدا کرده، حاکمیت دولت‌ها در این موارد نسخ شده است. این نظر در مورد جنایت نسل‌کشی که مسئولیت کیفری برای دولت ایجاد می‌کند، استوارتر است و چون دولت، موجودی فرضی است، این افراد هستند که باید مورد مجازات قرار گیرند؛ زیرا این افراد هستند که تصمیم می‌گیرند و اختیار عمل دارند، لذا او هم باید مجازات شود.

دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان دولتی که داعیه سرمداری مبارزه با ظلم و ستم و استبداد مردم را دارد، هرچند اقداماتی مانند ارسال نامه از سوی وزیر امور خارجه به دولت بحرین و دبیر کل سازمان ملل مبنی بر حمایت از مردم بحرین و اعتراض به اقدامات رژیم آل‌خلیفه صورت گرفته است، باید با توجه به ظرفیت‌های دیپلماسی خود به وسیله رایزنی با سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مسلمان، در راستای احقاق حقوق حقه مردم بحرین تلاش کند و با همراه کردن دول اسلامی با خود بتواند قطعنامه‌هایی را

علیه اقدامات رژیم آل خلیفه در مجامع بین‌المللی، مانند شورای امنیت، شورای حقوق بشر و ... به تصویب برساند تا بدین وسیله، فشارهایی علیه دولت بحرین اعمال شود تا حکومت، تحت این فشارها تن به خواسته‌های مردم بدهد. از دیگر فعالیت‌هایی که باید انجام شود، مبارزه رسانه‌ای و تبلیغاتی است که با بازتاب اعمال صورت گرفته در بحرین بتواند توجه ملت‌ها را به فجایع جاری در بحرین جلب کند تا بدین وسیله در جبهه دیگر به وسیله فشارهای افکار عمومی بتواند در جهت تعدیل اعمال حکومت بحرین اقدام کند. تا بدین وسیله، حمایت‌های معنوی در راستای انقلاب و تداوم آن صورت گیرد. (رجایی، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۷۹)

۵. ارائه راهکار

یکی از ویژگی‌های جنبش‌های اسلامی در عصر معاصر مبارزه با استبداد و مستبدین بوده است. مفهوم استبداد شکل انحرافی از قدرت می‌باشد که در جهت جهل، خودخواهی، خودپنداری، منفعت‌گرایی و تقابل با انسانیت است. هنگامی که خودکامگی در برترین سطح قدرت سیاسی به کار بسته شود، موجب شکل‌گیری حکومت استبدادی می‌شود. استبداد مستلزم و متضمن نظامی است که در آن، دولت در مقابل ملت هیچ‌گونه تعهد و مسئولیتی ندارد و اساس حکومت بر بی‌قانونی است. همچنین حکومت استبدادی را می‌توان حکومت متمرکزی دانست که با فقدان یا ضعف شدید حاکمیت قانون، سیطره خودکامانه و سرکوب‌گرانه‌ای بر جامعه اعمال می‌کند. مشارکت سیاسی مردم در تعیین حق سرنوشت و آینده کشورشان از جمله مباحث مهمی است که نقطه مقابل استبداد می‌باشد. منظور از مشارکت سیاسی، اجتماعی، فعالیت‌های ارادی

داوطلبانه است که از طریق آن‌ها، اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی و سیاسی سهیم می‌شوند. در نظام‌های استبدادی، هیچ سنت، قاعده و انضباطی حاکم بر تصمیمات شخص مستبد نیست. در واقع تفاوت میان نظام‌های استبدادی با نظام‌های دموکراتیک، جمهوری، لیگاریتیک و یا حتی نظام‌های سلطنتی همین یک‌ه سالارانه بودن شخص حاکم است. بنابراین گام اول، آگاهی بخشی نظری، مفهومی و مصداقی نسبت به مبانی نظام‌های استبدادی و برملا کردن تصمیم‌های بی‌قاعده شخص مستبد است. بر این اساس، مردم هرچه نسبت به حقوق خود آگاه‌تر شوند و اهمیت حضور خود در تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و مشارکت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در لایه‌های اجرایی، تصمیم‌گیری و نظارت را بیشتر و بهتر درک کنند، به طور قطع دامنه و دایره مانور استبداد و نظام‌های استبدادی تقلیل پیدا می‌کند. (زارعی، دهناد، ۱۳۹۵: ۴۹)

پرتال جامع علوم انسانی
شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتیجه گیری

بر طبق گزارش‌های نهادهای حقوق بشری زنان در کشورهای عربی تحت انواع خشونت‌های خانگی و اجتماعی قرار دارند. در این میان بحرین با توجه به وجود حکومت دیکتاتور و نظام سیاسی استبدادی، حقوق زنان در پایین‌ترین سطح می‌باشد. وجود گزارش‌های متعدد در خصوص تجاوز به زنان در زندان‌ها و مراکز پلیس، آزار و اذیت، قوانین تبعیض‌آمیز، عدم جایگاه مناسب اجتماعی از جمله مواردی است که در خصوص زنان بحرینی وجود دارد، اما مهمترین علت وجود و ادامه چنین خشونت‌هایی علیه زنان در بحرین را می‌توان مربوط به نقض همه جانبه حقوق اساسی زنان در سایه بی‌توجهی به قوانین بین‌المللی حقوق بشر از سوی نظام آل‌خلیفه و از سویی دیگر عدم حرکت جدی مقابله‌ای توسط نهادهای بین‌المللی حقوق بشری عنوان کرد. متأسفانه بعد از شروع انقلاب ۲۰۱۱ این خشونت به اوج خود رسیده است و رژیم بحرین شمار زیادی از زنان از جمله پزشکان، معلمان و ... را به دلیل مخالفت با نظام آل‌خلیفه به صورت وحشیانه بازداشت و شکنجه کرده است. با توجه به آنچه که در خصوص نقض جدی حقوق زنان در بحرین دیده می‌شود باید کمیسیون حقوق بشر اسلامی متشکل از کشورهای اسلامی در درجه اول راهکارهای تأثیرگذار و مهمی را در جهت توجه به حقوق زنان در کشورهای عربی و در درجه بعدی کشور بحرین به دلیل ظلم و استبداد شدید حکومت آل‌خلیفه ارائه دهد؛ چراکه سازمان و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر به دلیل منافع کشورهای غربی و دولت‌های هژمون توان مقابله با خشونت و احقاق حقوق زنان را ندارند و در گام بعدی حرکت جمعی مردم بحرین در دفاع از حقوق مظلومان به خصوص زنان می‌باشد. باید فرهیختگان و علمای این کشور در ایجاد موج بیداری و آگاهی‌بخشی نقش جدی و مهمی را ایفاء نمایند.

منابع

۱. حاجی سعید، سرور (۱۳۹۰) جایگاه زنان در بیدارگری اسلامی، تبیان/۱۶۵۶۴۵.
۲. جهان‌خواه، عادل؛ دیده‌ورا، ذوالفقار (۱۳۹۳) بن‌مایه‌های بیداری اسلامی با مطالعه‌ی موردی بحرین، سیاست دفاعی، شماره ۸۶.
۳. رجایی باغ‌سیایی، مهدی (۱۳۹۰) جنایت نسل‌کشی در بحرین و راهکارهای حقوقی مقابله با آن، علوم سیاسی، شماره ۵۵.
۴. رویوران، حسن (۱۳۹۲) زنان و بیداری اسلامی، فرهنگ اسلامی، شماره ۴.
۵. رضی، محمد؛ جربانی، حمید؛ رشیدی، بهمن (۱۳۸۹) ملاحظاتی درباره تلفیق جنسیتی در بین زنان پلیس در بحرین، پلیس زن، شماره ۱۳.
۶. زارعی، غفار؛ دهناد، سید احمد رضا (۱۳۹۵) تشابه جنبش شیعی بحرین با مدل انقلاب اسلامی ایران، مطالعات علوم سیاسی، سال دوم.
۷. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۱) حقوق شهروندی زنان، موانع و گام‌های اولیه در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، مطالعات خاورمیانه، شماره ۷۰.
۸. میرزایی، جلال؛ صدری‌علی‌بابالو، صیاد (۱۳۹۳) کارکرد سازمان دیده‌بان حقوق بشر در قبال تحولات بحرین، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۹.
۹. مددی، جواد (۱۳۹۳) آسیب‌شناسی قیام انقلابی بحرین، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۹.
۱۰. موسوی، سیدفیصل‌الله؛ سادات میر محمدی، معصومه (۱۳۸۹) بررسی جنایت تعقیب و آزار در پرتو وقایع اخیر بحرین، حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۳.

منابع اینترنتی

www.mizanonline.ir ۱۳۲۲۱۱/ کشورهای عربی

۲۸/۱۲/۱۳۹۴

تجاوز به زنان زندانی بحرینی در حضور خویشاوندانشان، باشگاه خبرنگاران

۱۳۹۵ فروردین/۵۵۶۱۲۳۷

<http://www.yjc.ir/fa/news/۵۵۶۱۲۳۷>

<http://www.mehrnews.com/news/۲۰۱۵۰۲۸>

<http://www.humanrights-iran.ir/news۲۰۷۹۹-.aspx> / نقض گسترده حقوق زنان در بحرین

۲۰۷۹۹-.aspx

شکنجه آیات قرمزی با کابل و شوک الکتریکی توسط رژیم بحرین

<http://www.humanrights-iran.ir/news۲۰۹۲۸-.aspx>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی